



## سرخط

### (شیوه‌نامه پیش‌نهادی الفبا و گیلکی نویسی)

مصوب گروهی از پژوهشگران

به کوشش:

دکتر جهان دوست سبزعلیپور

## شیوه نامه «سرخط»

### و نقدی بر آن

#### ۲

سابقه گیلکی نویسی و نگارش به نثر گیلکی را باید از دوره چاپ و نشر روزنامه گیلکی زبان «دامون» که یک سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی منتشر شد پی گرفت. نخستین و قدیمی ترین شیوه نامه نگارش گیلکی چهل سال پیش در پنج شماره نخست از سال اول دامون (سال ۱۳۵۹) منتشر شد. شیوه نامه ای که به سیلاب نگاری، تسویه حروف همصدا و چند شکلی عربی و معیارسازی یک گویش ادبی مشترک برای عموم گیلکان تدوین و منتشر شده بود. اما عمر دامون دیری نپائید و سال بعد تعطیل شد.

شیوه نامه دوم از زمان انتشار گیله وا (سال ۱۳۷۱) پدید آمد. در برخی شماره های مجله گیلان شناسی گیله وا هر بار به موضوعی خاص از آئین نگارش گیلکی پرداخته شد. گیله وا به عنوان تنها منبع درج متون گیلکی اعم از شعر و نثر به تدوین یک رشته دستورالعمل ها در انسجام نگارش گیلکی دست زد و با وضع علائم جدید و قراردادهایی، به یکدستی در نگارش گیلکی

#### ۱

در پی فراخوان عمومی که از سوی پژوهشکده گیلان شناسی دانشگاه گیلان در سایت دانشگاه و مطبوعات و رسانه های مجازی منعکس شد (از جمله در شماره ۱۶۰ گیله وا مورخ فروردین - اردیبهشت ۹۹) و طی آن از صاحب نظران خواسته شد تا بسته های پیشنهادی خود را به دبیرخانه پژوهشکده ارسال دارند، بالاخره بعد از ماهها انتظار شیوه نامه ای با عنوان اصلی «سرخط» در ۳۷ صفحه منتشر و در اختیار رسانه ها گذاشته شد که برآیند آن فراخوان و نشست های حاصل از آن است. این شیوه نامه که ظاهرا «مصوب گروهی از پژوهشگران» است به کوشش دکتر جهان دوست سبزعلیپور دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت و داوری تنی چند از اساتید دانشگاه ها (زبان شناس و استاد ادبیات فارسی) تهیه شده و با آرم دانشگاه گیلان منتشر گردیده است و چنان چه از عنوان فرعی نه چندان گویای آن یعنی «شیوه نامه پیش نهادی الفبا و گیلکی نویسی» برمی آید بر این نیت است که بعد از بخش و نشر آن مورد نقد و بررسی جامعه گیلک زبان قرار گیرد.

گویشوران به گروه سرخط پیوست و در جلسات آن ها شرکت جست به این نیت که برآیند حاصل از نشست ها، شیوه نامه ای منسجم، علمی و برخوردار از همه جوانب و زوایای این زبان کهن ایرانی و توانمندیهای آن باشد. مقبولیت یا عدم مقبولیت شیوه نامه وقتی روشن می شود که مورد مطالعه دقیق صاحب نظران قرار گیرد، بی حب و بغض بر آن نگریسته شود و نکته های مبهم و فروگذاشته آن روشن و یادآوری شود. این کار باید با آرامش و با تکیه بر مستندات زبان گیلکی انجام گیرد تا نقایص موجود برطرف و به اصطلاح پیرایش و ویرایش گردد.

بر همین اساس به تقاضای یکی از اعضا گروه (مدیرمسئول گیله و) خواسته شد تا گروه سرخط در آخرین لحظات پیش از این که «سرخط» عمومی شود، یک جلسه فوق العاده ترتیب دهد و به انتقادات او و احتمالاً سایر اعضا توجه کند تا شیوه نامه مزبور قبل از عرضه عمومی از هر نظر پیراسته گردد و اعضا نظرات نهایی خود را اعلام دارند. جلسه مورد نظر اگرچه تشکیل شد اما فرصت اظهار نظرها نشد و جلسه به دلیلی نافرجام رها گردید و سرپرست گروه به زعم خود بهتر دید تا هر آن چه تهیه شده با مسئولیت خود به انتشار بگذارد.

اینک نکته های مهم و اساسی قابل نقد بر شیوه نامه سرخط از نگاه مدیرمسئول گیله و که در به ثمر رساندن آن نقشی نسبی داشته است اما در برخی موارد هم پا و همگام با آن نبوده، وجود دارد که در این جا به نظر و اطلاع گویشوران عزیز می رسد. مواردی که باید نهایت دقت در آن بعمل آید چون شیوه نامه سرخط برآمده از یک نهاد دانشگاهی و مرکز علمی، به اصطلاح یک آکادمی است و نباید در آن ابهام و نارسایی وجود داشته باشد.

#### ۴

صرف نظر از چند مورد ساده و کم اهمیت که در حاشیه قرار دارد، موارد عمده و قابل نقد بر شیوه نامه به شرح زیر است:

در شیوه نامه «سرخط»، چهار اصل اساسی از چندین اصل حاکم بر سرخط آمده است که اولین آن مورد اختلاف نظر برخی اعضا با سرپرست علمی گروه و اعضای هم نظر ایشان است. اصل اول می گوید «ملاک اصلی برای نوشتن کلمات، تلفظ است به شرطی که هر بخش تلفظ شده، طبق دستور زبان در جای خودش نوشته شود» و بعد مثال آورده می شود در تلفظ «حسنوعلی» شنیده می شود ولی بهنگام نوشتن باید «حسن و علی» نوشت.

خوب این اصل درستی است و باید به آن عمل کرد. اما باید همه جا به آن وفادار بود و بر اساس ساختار زبان گیلکی رفتار کرد نه بر اساس پیش فرض هایی که هنوز به اثبات نرسیده است یا حداقل برای اثبات آن وقت لازم است و جای بحث دارد. مثل آن جا که به طرز نگارش «فعل های مرکب» استناد می شود.

عین نوشته «سرخط» برای توجه گویشوران آورده می شود:

[ در مورد نگارش بعضی افعال مرکب و اسنادی خاص مانند «گرما کودن» (گرم آکودن = گرم کردن) «گرم اوئدن» (گرم کردن) نظر گروه سرخط چنین است: در این افعال، وندهای «آ»، «ا» و «او» پیشوند فعلی هستند و همانند دیگر فعل های مرکب پیشوندی نظیر «ناف دکفتن» و ... - چندین مثال آورده می شود - باید به شکل درست نوشته شوند یعنی پیشوند همراه با فعل بیاید نه همراه با اسم یا صفت. مانند: گرم آکودن -

کمک کرد. طیف وسیعی از شاعران و نویسندگان گیلکی پرداز امروزه از شیوه پیشنهادی و بکار گرفته در گیله و تبعیت کرده به آن روی آورده اند.

مؤلف کتاب «دستور زبان گیلکی» آقای جعفر بخش زاد محمودی هم در کتاب خود، آیین نگارش گیلکی تدوین کرده که بخش هایی از آن را سال ها پیش در هفته نامه هاتف چاپ کرده بود.

از سوی دیگر در سه چهار سال اخیر تنی چند از جوانان غیرتمند گیلک در کانال تلگرامی «ورگ» شیوه ای را با اعمال نقطه گذاری و همزه نگاری عرضه کرده اند که در دنیای مجازی مورد استفاده و استقبال طیفی از کاربران بویژه جوانان قرار گرفته است. این شیوه نگارش کیبوردی در گوگل ثبت و کاربرد عملی در تایپ کامپیوتری و گوشی های موبایل یافته است و از آن استفاده می شود.

بدیهی است بسیاری از گیلکی پردازان هم به دور از این شیوه ها، هر یک کار خود را می کنند و به سلیقه خود می نویسند. برخی از وجود و اهمیت این شیوه نامه های نگارشی اصلا بی اطلاع هستند و برخی هم مطلعند اما بکارگیری از آن ها را برنمی تابند. بنابراین ضرورت تدوین شیوه نامه ای که نسخه گیلکی نویسی را درست تر و راحت تر و سریع تر بیچند آن هم از طریق یک مرکز علمی و دانشگاهی، از هر نظر مشاهده می شد. جامعه گیلک زبان برای سرنوشت زبان خود و حفظ آن و فائق آمدن بر دشواری های خط موجود، ناگزیر به انتخاب شیوه نامه واحدی است تا به رفع نیازهایش کمک کند. هر چند بیش از این شیوه نامه ها، به باور و اعتقاد و وفاداری به زبان خود نیاز دارد.

#### ۳

شیوه نامه «سرخط» جدیدترین شیوه نامه ای است که تدوین شده و هنوز در مسیر قضاوت، استقبال و عدم استقبال صاحب نظران و گویشوران قرار نگرفته است. طبیعی است ظرف چند ماه آینده میزان ظرفیت پذیرش عمومی و چند و چون محتوای آن مشخص می شود. هر تلاشی در زمینه درست نویسی و منسجم نویسی گیلکی انجام گیرد قابل تقدیر و ستایش است ولی مشکل این جاست که گیلکی صرف نظر از چند متن تاریخی و قدیمی به جا مانده، به طور کلی یک زبان کم نوشته و ورز نیامده است که در تعلیم و آموزش آن اقدامی صورت نگرفته و در شناخت و مطالعه آن کوتاهی جدی شده است. جز آن دسته از گویشوران که بدان دلبسته و وفادارند و برای هویت زبانی خود مطالبه دارند، و در سال های اخیر کوشش های جدی کرده اند و اثراتشان نمایان است، متأسفانه از سوی متولیان فرهنگی و دانشگاهی و آموزش و پرورش کمترین توجهی به آن صورت نگرفته است.

کوشش های برشمرده در ارائه شیوه نامه برای نگارش گیلکی در طول چهل سال اخیر در واقع نشان دهنده پیشی جستن شاعران، نویسندگان و محققان از دانشگاه های گیلان و ادارات کل آموزش و پرورش و میراث فرهنگی و به طور کلی نهادهای دولتی و محلی بوده است که قاعدتاً باید در این امر مهم پیش از این ها وارد عمل می شدند. با این همه اکنون این اتفاق دیرهنگام افتاده و دانشگاه گیلان گام پیش نهاده است، باید بدان توجه داشت و امید بست.

از آن جایی که گیله و نشریه ای با دغدغه فرهنگ بومی گیلان بویژه ادبیات گیلکی است در پی اعلام فراخوان عمومی، به اعتبار علم و نام دانشگاه و شور حرکت جمعی نویسندگان و

داریم ولی آگیتن نداریم.  
با فعل دائن، افعال پیشوندی وادائن، جدائن، فادائن داریم  
ولی آدائن نداریم.  
با فعل بوئن افعال پیشوندی دبوئن، فبوئن داریم ولی  
آبوئن نداریم.  
سرپرست گروه دو دلیل عمده برای فرضیه خود ذکر می  
کند.

یک) این که در گذشته و زمانی دور این پیشوند کاربرد  
داشته ولی به مرور بر اثر تلفظ و سنت (و حتی یک جا قید  
شده: به غلط!) امروز به ذهن گویشوران گیلک ناآشنا و غریبه  
است که این یک گمان است. گمان کردن اشکال ندارد و گاه  
موجب روشنگری است اما نه هر گمانی، باید حتماً مستند باشد.  
اگر دنبال یک سند کهن می گردیم دیوان پیرشرفشاه دولایی،  
عارف قرن هشتم قمری می تواند گواه خوبی برای این ادعا باشد  
که در آن به چنین موردی برخورد نشده. زبان ممکن است در طول  
زمان دچار تحول گردد اما هیچگاه ریشه های آن به طور کامل  
محو و نابود نمی شود و می توان به طریقی بازشناخت. زبان  
شناسی تاریخی و ریشه شناسی زبان گیلکی در این جا می تواند  
به این موضوع ورود کند.

دو) دلیل دوم این که چون این پیشوند در زبان های هم  
ریشه، مجاور و همسایه با گیلکی یعنی تالشی و تاتی وجود دارد  
که با هم در یک خانواده هستند پس در گیلکی هم وجود دارد.  
ولی مجاورت و همسایگی همیشه دلیل نهایی نیست، وجود همین  
ویژگی هاست که آن ها را از حالت گویش به در آورده بدل به  
زبان کرده است. در عین مجاورت و خویشی و هم خانوادگی هر  
یک ویژگی های خود را دارند.

## ۵

اما به راستی این «الف» چیست و نقش آن کدام است؟  
«الف» چسبیده به اسم / صفت / قید در افعال مرکب گیلکی  
در واقع میان وندی است که نقش صافی و ضربه گیر را میان دو  
کلمه سخت از نظر تلفظ ایفا می کند. به بیان دیگر حرف و  
نگاره ای است سایشی برای تلفظ راحت تر در سرعت ادای کلمه  
و نیز شکل بخشی به حالات فعل به کار گرفته. خلاصه تر اگر  
بگوئیم الف قیدی و مفعولی (چه به واسطه چه بی واسطه) است.  
فراموش نکنیم هر یک از این افعال مرکب بدون افزودن «الف»  
در زبان گیلکی هم هویت دارند و اصلاً هویت اصلی آن ها بی  
ذکر نشانه «الف» است به چند مورد زیر دقت فرمایید:  
موشت کودن، پوشت کودن، خوشک کودن و ... که در  
صرف فعل به صورت: موشت بو کودم، پوشت بو کودی، خوشک  
بو کود و ... نمود پیدا می کند. در عین حال برای تلفظ راحت  
تر و سریع تر و تغییر حالت فعل آن به صورت موشتا کودن /  
پوشتا کودن / خوشکا کودن و ... در می آید: موشتا کودم،  
پوشتا کودی، خوشکا کوده و ... در این حالت فعل سائیده و نرم  
شده است. اگر قرار باشد اصل تلفظ را رعایت کنیم باید به روش  
طبیعی گفتار و کنش گویشور در ادای آن تمکین کنیم، و اگر فکر  
می کنیم به کشفی رسیده ایم که مجهول و مفعول مانده است،  
باید گفت هنوز یقین حاصل نشده است و جای بحث دارد.

در افعال مرکب با کلمات مختوم به «ه» غیرملفوظ نقش  
«الف» چگونه است؟ افعال مرکبی مثل هالیسه کودن (= له و  
لورده کردن) = فوچورده بوستن (= غمگین و افسرده شدن)  
دیوانه بوئن (= دیوانه شدن) و ... طبیعی است در تلفظ به صورت

سرد آکودن - نرم آکودن. از آن جایی که در روش سنتی، این  
پیشوندهای فعلی به جزء غیرفعلی فعل مرکب متصل می شدند،  
یعنی همان طور که شنیده می شوند، نوشته هم می شدند: نوشتن  
به صورت گرماکودن و سرداکودن نیز روشی جا افتاده است. به  
طور خلاصه در سرخط طرزنوشتن این افعال به دو شکل سنتی و  
جدید است [ص ۲۰

باید به اطلاع رساننده شود اولاً این نظر تمام گروه سرخط  
نیست بلکه نظر بخشی از گروه یعنی نظر سرپرست گروه و اعضای  
هم نظر ایشان در گروه است. ثانیاً روشی به عنوان شکل سنتی  
و جدید نداریم، بهتر است تصحیح شود به روش معمول و رایج و  
روش «سرخط». چون همان طور که اشاره شد دو روش «گیله  
وا» و «ورگ» ادامه دارد و طیف وسیعی از گویشوران از آن ها  
تبعیت می کنند یا به راه خود می روند. ثالثاً این که در روش  
به اصطلاح جدید «سرخط» که قاعدتاً باید کامل تر و صریح تر  
از روش های پیشین باشد گویشور در نگارش متن دچار دوئیت و  
دوگانگی یعنی سرگردانی می شود که درست نیست.

البته در زیرنویس شماره ۲۲ صفحه ۲۳ آمده است: «دلایلی  
وجود دارد که این افعال در گیلکی مرکب پیشوندی هستند» و  
بعد سه دلیل آورده می شود که آن نیز قابل نقد است (باید به  
این بخش رجوع مستقیم شود و به دقت مطالعه گردد تا دلایل سه  
گانه را پذیرفت یابد کرد. چون بحث علمی و تخصصی است لازم  
است با دقت و تأنی و به دور از هرگونه پیش داوری عمل کرد.  
صاحب نظران لازم است در این مورد دقت بیشتری بعمل آورند.)  
خلاصه مطلب این که در زبان گیلکی به طور گسترده و  
فراوان به افعال مرکب برمی خوریم که به دو گونه نوشته می  
شوند:

پاک کودن ( پاکودن) و پاکا کودن (= پاک کردن)

هیست بوستن و هیستا بوستن (=خیس شدن)

آتش گیفتن و آتشا گیفتن (= آتش گرفتن)

فیت دائن و فیتا دائن (= تحریک کردن)

تور بوئن و تورا بوئن (= دیوانه شدن) و فراوان مثال های  
دیگر.

سرپرست گروه براین باور است که «الف» چسبیده به اسم  
یا صفت در این گونه افعال، در اصل پیشوند اشتقامی فعل همراه  
است که بر اثر کثرت تلفظ و استعمال، موجب اشتباه در سنت  
نوشتاری شده و از فعل خود دورافتاده است. بنابراین باید از کلمه  
جدا و به فعل نزدیک شود چون بنا بر عین اظهار ایشان «کلمه  
ای به نام پاکا نداریم» و همینطور هیستا، آتشا، فیتا، تورا و باید  
به صورت پاک آکودن، هیست آبوستن، آتش آگیتن و فیت  
آدائن و تور آبوئن نوشت، که در این صورت اصل تطابق تلفظ  
بانوشته زیر پا گذاشته می شود و اگر به زعم سرخط رعایت  
دستور زبان لحاظ شود نه فقط فرضیه پیشوندی «الف» هنوز به  
اثبات نرسیده است که ساختار دستور فعلی هم بهم می ریزد.  
اگر با افعال مرکب آن طور که در سرخط آمده باید رفتار  
شود و «الف» آن به عنوان پیشوند بر سر فعل قرار گیرد به  
ضرس قاطع می توان گفت هیچ گویشور گیلکی این پیشوند ها  
را نه شنیده و نه می شناسد!

با فعل کودن افعال پیشوندی دو کودن، جو کودن، فو کودن  
داریم ولی آکودن نداریم.

با فعل بوستن افعال پیشوندی دبوستن، فو بوستن، و ابوستن  
داریم ولی آبوستن نداریم.

با فعل گیفتن افعال پیشوندی جیگیفتن، فاگیفتن، واگیفتن

تر، جزیی تر و جانبی می دهد. وقتی می گوئیم «پاک کردن» یعنی پاک کردن، مطلق فعل است اما وقتی می گوئیم پاک کردن به آن حالتی مفعولی می بخشد، پاک کردن چی؟ و همین طور کش گرفتن (بغل گرفتن) کشا گرفتن (در بغل گرفتن چیزی یا کسی) - کول گرفتن (به دوش گرفتن) کولا گرفتن (بر دوش گرفتن چیزی یا کسی) - پور کردن (پور کردن) پورا کردن (پور کردن چیزی، انباشتن) - توند بوستن (تند شدن) توندا بوستن (تند شدن برای، براق شدن، عصبانی شدن) - توک گرفتن (نک گرفتن) توکا گرفتن (به نک گرفتن) - دس زئن (دست زدن) دسا زئن (دست زدن به، نوازش کردن، لمس کردن)

مشابه این رفتار فعلی را در زبان انگلیسی به نحوی دیگر داریم:

to go: out - up - at - in - to  
to put : down - on - in

## ۶

اما نقطه کور «سرخط» این جاست که بالاخره بعد از چندین و چند نشست و بخصوص جلسه عقیم و بی نتیجه آخر مورخ ۹۹/۸/۲۸، در نهایت نوشتن هر دو شکل نوشتاری یعنی معمولی و رایج (ونه سنتی) و جدید (یعنی سرخط) هر دو مجاز دانسته شد! یعنی هر کس خواست به شیوه عادی و قدیمی (پاکا کردن) بنویسد و یا مختار است (پاک آکودن) بنویسد. این شیوه کار، علمی و منطقی نیست اما شاید فرصتی باشد تا گویشوران خود را در محک تجربه شیوه ها قرار دهند و به باور خود درست ترین آن را برگزینند. اما آیا این طریق دوگانه نویسی ارضا کننده هست و موجب تشمت بیشتر در نگارش گیلکی نخواهد شد. این موردی بود که عضو منتقد گروه دوست داشت پیش از انتشار «سرخط» میان اعضا با گفتگو و دلیل و توجیه به نتیجه برسد قبل از این که عمومی شود. این یک نمونه است. نمونه های دیگر هم در شیوه نامه وجود دارد که در شماره آینده به آن ها پرداخت می شود.

بدیهی است پاسخ سرپرست علمی گروه و اعضای محترم هم نظر ایشان در گילה و محفوظ است. طبیعی است برای رسیدن به یک شیوه نامه جامع و مطلوب باید صاحب نظران گفتگو کنند و چه بهتر که این گفتگو بیشتر در خود گروه صورت می گرفت. با این همه شاید این مشقی باشد برای گویشوران زبان گیلکی که به زبان خود عنایتی بیشتر و حساسیتی عمیق تر نشان دهند که زبانشان یادگار زبان پهلوی است، فخامت و اصالت کهن اشکانی و حتی پیشتر از آن را دارد، میراثی است برای گیلکان امروز پر از پیچیدگی ها، ظرافت ها و حلاوت ها که باید آن را بازشناخت.

بالا خوانده نمی شوند و بر سر «ه» آوای بلندی می گیرند: هالیسه کودن / دیوانه بوئن / فوجورده بوستن و ...

اگر قرار باشد آن چه شنیده می شود یعنی تلفظ می شود، عیناً دیده شود یعنی نوشته شود در آن صورت برای این افعال مرکب به ظاهر پیشوندی چه نسخه ای باید پیچید؟

اجازه دهید پیرامون افعال مرکب باز گردشی کنیم. افعال مرکب آتشا واگیرائن (شعله ور کردن آتش، فتنه برانگیختن) - پوستا فاکلاشتن (= پوست چیزی را با دست یا دندان کردن) - خیالا دو بوئن (در خیال چیزی بودن، خیال بافی کردن) - گوشا فاکشتن (گوش کسی را کشیدن) - زاکا جیگفتن (بچه از شکم مادر گرفتن) و امثال آن که خود اساساً فعل مرکب پیشوندی هستند، «سرخط» چه پیشنهادی دارد؟ اگر مینا براین است که «الف» چسبیده به آتش، پوست، خیال و زاک خود پیش وند است، آنگاه دو پیشوند کنار هم قرار می گیرند! چون (وا - فا - دو - جی) خود پیشوند هستند. آن وقت ادله سه گانه مفروض پیش گفته در این جا چگونه نقشی خواهد داشت؟ و تکلیف چیست؟ تصور کنید افعال به صورت زیر نوشته شده باشند (آتش ا واگیرائن - پوست افاکلاشتن - خیال ادو بوئن - گوش افاکشتن - زاک اجیگفتن و ...) چگونه باید آن ها را امر و نهی و نفی کرد. به ترتیب می شود آتش اناوگیرائن - پوست انفاکلاشتن - خیال اندو بوئن و گوش انفاکشتن - زاک انجیگفتن و ... آیا این است آن جا که دستور زبان اقتضا می کند باید جدانویسی کرد؟ اساس این دستور که با این فتوا بهم می ریزد!

اجازه دهید یک مثال ساده دیگر بزنم فعل مرکب «دوبا دائن» را ملاحظه فرمایید یعنی به دو واداشتن یا فرار دادن و دواندن. اگر قرار باشد آن را مطابق سرخط جدید بنویسم: دوب ادائن باید نوشته شود. فرض کنید جمله ای داریم مثل حسن، علی را مجبور به دویدن یا فرار کرد، ترجمه گیلکی آن می شود حسن، علی یا دوبادا (شیوه قدیمی) و در شیوه سرخط: حسن، علی یا دوب ادا. جای علی داوود بگذارید می شود، حسن، داوود ادا دوب ادا. استثنا قاعده نیست ولی اگر به جای حسن، زری بگذاریم می شود زری داوود ادا دوب ادا! به ظرایف زبان گیلکی دقت کنید!

الف در فعل مرکب (دوبادائن) حالت مفعول (بهی) دارد، یعنی «الف» نقش «به» فارسی را ایفا می کند: به دو واداشتن، یعنی فراری دادن، دور کردن، بی آن که از حرف اضافه «به» استفاده شود.

خلاصه این که «الف» مورد بحث که به اسم، صفت و قید می چسبد و با افعال گیلکی فعل مرکب می سازد و بسیار هم پرسامد است، به طور کلی الفی سایشی برای راحتی تلفظ در گفتار است و بیشتر افواهی است. و بدون الف، با همان افعال، جنبه ادبی و نگارشی دارد، و مهمتر این که به افعال بار دقیق

### توضیح و پوزش:

در مقاله «بازنشستگی، آغاز راه» (به مناسبت انتخاب ذبیح الله شبان محقق و نویسنده گیلانی به عنوان بازنشسته ممتاز کشور) مندرج در شماره ۱۶۲ صفحه ۳۱، ذکر دو نکته لازم است و بدین وسیله تصحیح می شود:

۱ - لوح تقدیر از سوی آقای دکتر شهیدی نژاد «مدیریت کل درمان استان گیلان» به آقای ذبیح الله شبان اعطا گردید.

۲ - در عکس صفحه ۳۳، نفر وسط بدیع الله شبان درست است که به اشتباه ذبیح الله قید شده است.

گیله وا: همان طور که در متن مقاله آمده برادران شبان دوقلو و توانمند هستند و چنان در ظاهر و باطن (تشابه صورت و رفتار) یکی یگانه اند که شباهت در اسم هم مزید علت شده و این اشتباه رخ داده است. از هر دو عزیز و خوانندگان پوزش می خواهیم.